

صورت و سیرت انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

۱- توجه به سیرت انقلاب در مراحل خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی

بیانیه گام دوم با تبیین عظمت انقلاب اسلامی و تفاوت این انقلاب با سایر انقلاب‌ها شروع شده است و مهم‌ترین دلیل بر عظمت انقلاب را این می‌داند که «یک چله پرافتخار را بدون خیانت به آرمان هایش پشت‌سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسید، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است.»^۱ این بیان یعنی انقلاب اسلامی در عین تغییر مراحل حرکت خود و ایجاد صورت و شکل متناسب به مقتضیات زمانه خود در هر مرحله، آن سیرت و حقیقت انقلاب را حفظ کرده است. یعنی طی مراحل پیروزی انقلاب و نظام‌سازی که در ۴۰ ساله گام اول محقق شده است و در اینجا براساس منطق رشد و بلوغ ۴۰ سالگی از آن تعبیر به مرحله خودسازی شده است، نظامی را شکل داده که آن سیرت و ارزش‌ها را حفظ کرده است و اکنون باز هم با همان سیرت و حقیقت ثابت، باید وارد مرحله دوم که جامعه‌پردازی است، شود و جامعه‌ای با سیرت انقلاب اسلامی بسازد و درنهایت در مرحله سوم که افق گام دوم انقلاب است، در آستانه تمدن‌سازی نوین اسلامی شود، تمدنی که باز صورت تمدنی همین سیرت انقلاب اسلامی است. بحث سیرت و صورت انقلاب، از مباحثی است که رهبر انقلاب در دهه‌های گذشته به تبیین آن پرداخته‌اند و این مینا را در تحلیل گام اول انقلاب و تجویز برای گام دوم آن در متن بیانیه به کار بسته‌اند. در نگاه ایشان «هویت اصلی هر انقلاب را به آن جهت‌گیری هاست‌ودر واقع، سیرت انقلاب‌ها همین جهت‌گیری‌های اصلی است.»^۲ ایشان در همین سخنرانی صراط مستقیم انقلاب اسلامی را خط امام خمینی (ره) معرفی کرده‌اند و تبیین شاخص‌های خط امام (ره) و معیار حرکت قرار دادن آنها را راه تداوم سیرت انقلاب می‌دانند. باز در جایی دیگر لب و مغز انقلاب را همین سیرت انقلاب اسلامی می‌دانند که مانند روح در صورت‌های انقلاب دمیده شده است. یعنی «اگر این مغزهای حقیقی و این بخش‌های اصلی هویت واقعی جمهوری اسلامی از دست برود و ضعیف شود، ساخت‌ظاهری جمهوری اسلامی خیلی کمکی نمی‌کند؛ خیلی اثری نمی‌بخشد و پسوند «اسلامی»...مجلس شورای اسلامی؛ دولت جمهوری اسلامی، به‌تنهایی کاری صورت نمی‌دهد. اصل قضیه این است که مراقب باشیم آن روح، آن سیرت از دست نرود، فراموش نشود؛ دل مان خوش نباشد به حفظ صورت و قالب. به روح، معنا و سیرت توجه داشته باشید. این، اساس قضیه است.»^۳ سیرت انقلاب براساس ارزش‌های فطری انسانی است. یعنی ارزش‌های ثابت و تغییرناپذیر که زمان و مکان و تغییر شرایط ممکن است مصداق این ارزش‌ها را تغییر دهد و این ارزش‌ها صورت‌های متنوعی داشته باشند اما اصل این ارزش‌ها همیشگی و ثابت است. ایشان در بیانیه می‌فرمایند: «برای هر چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنی است. آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد.»^۴ بلافاصله در مقام استدلال برمی‌آیند و بیان می‌کنند که «زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است.»^۵ به بیان دیگر ایشان سیرت و حقیقت انقلاب اسلامی را ارزش‌های انسانی و الهی آن و از این جهت انقلاب اسلامی را «انقلاب فطری» می‌دانند. بنابراین سیرت و حقیقت انقلاب اسلامی، سیرت فطری و

منطبق با فطرت الهی انسان است. سپس ایشان به مهم‌ترین این ارزش‌ها که سیرت‌ساز انقلاب هستند این طور اشاره می‌کنند که «آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلایت، برادری، هیچ یک، به یک نسب و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند.»^۶ به این معنا که همه انسان‌ها مفسور به فطرت الهی هستند و وجدان بیدار بشر اگرچه ممکن است گاهی دچار غفلت شود و در تشخیص مصداق این ارزش‌ها خطا کند، اما در عموم انسان‌ها و جوامع این ارزش‌های متعالی به‌عنوان آرمان حیات بشری مورد پذیرش و همواره مطلوب و خواستنی بوده است و «هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌انداز‌های مبارک دل‌زده شوند» و در انقلاب اسلامی هم «هرگاه دل‌زدگی پیش‌آمده از رویگردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها.»^۷ «دفاع ابدی از نظریه نظام انقلابی» که ایشان در بیانیه فرموده‌اند، بر این اساس است که ارزش‌های انقلاب اسلامی تغییرناپذیر است و این سیرت اگر فراموش شود اساس انقلاب اسلامی تغییر کرده است. لذا این ارزش‌ها، باید‌های تغییرناپذیر انقلاب است و به این بیان اصول ثابت انقلاب اسلامی است. این اصول همان اصولی است که بارها در فرمایشات مقام‌معلم‌رهبری تحت‌عنوان اصول مکتب امام‌خمینی (ره) تبیین شده و در واقع، زربنای معرفتی انقلاب اسلامی است. این اصول، حاکم بر همه تجویزها و توصیه‌های راهبردی و سیاستی در حرکت رو به جلوی انقلاب اسلامی در مسیر تمدن‌سازی است و «دفاع ابدی از نظریه نظام انقلابی» به این معناست که انقلاب اسلامی در عین نظام‌سازی، دولت‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی، باید انقلابی بماند و این اصول ثابت در تمام مراحل حرکت به سوی تمدن‌سازی تعیین‌کننده و حاکم بر پاید‌ها و بنیادهای متغیر ازجمله سیاست‌ها و قوانین باشد. این درست نقطه مقابل تفکر گسائی است که فکر می‌کنند انقلاب یک حادثه تاریخی بود که در سال ۱۳۵۷ پیروز شد و تمام شد و ما پس از استقلال کشور و تشکیل حکومت باید مانند سایر کشورها در عرصه بین‌المللی تعامل کنیم. از نگاه مقام‌معلم‌رهبری انقلاب اسلامی از جمهوری اسلامی تفکیک‌پذیر نیست. جمهوری اسلامی صورتی است که باید سیرت انقلاب اسلامی را منعکس کند و این همان تعبیری است که امام‌خمینی (ره) هم می‌فرمودند که شکل و قالب نظام ما جمهوریت و ساختارهای حکومتی آن است و محتوای آن اسلام و ارزش‌های اسلامی است. به‌عنوان نمونه استکبارستیزی از ارزش‌ها و سیرت انقلاب اسلامی است و جمهوری اسلامی حتی اگر خود‌از چنگال استبداد داخلی و استعمار خارجی و سلطه مستکبران رهایی پیدا کند، نمی‌تواند نسبت به ظلم مستکبران بر مستضعفان عالم سکوت کند و با آنها دست دوستی بدهد. همانطور که وجدان انسانی نه ظلم کردن و تحت ظلم واقع شدن خود را می‌پذیرد و نسبت به ظلم به دیگران می‌تواند ساکت نشیند. بنابراین، ارزش‌ها که سیرت انقلاب است، منطق ثابتی که این بیانیه به اختصار اما با دقت‌نظر بیان کرده و اگر دقت کنیم، این اصول، منطق کلی و ثابت و روح حاکم بر توصیه‌های هفت‌گانه ایشان در تحقق گام دوم انقلاب اسلامی است.

۴- الگوی حاکمیتی انقلاب اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی

در الگوی حاکمیتی اسلامی که مبتنی بر منطق حاکمیت و ولایت‌اللهی است، رابطه میان امام و رهبر جامعه و جریان امر ولی در نسبت با امت به دو شکل مکمل تحقق می‌یابد؛ اول از طریق نظام سلسله مراتبی و ساختارهای رسمی طولی در جامعه و دوم به شکل مستقیم و بی‌واسطه. توضیح آنکه در نگاه دینی بزرگان ما همچون امام‌خمینی (ره) و علامه طباطبایی (رض) که مبتنی بر متن معارف اسلامی هم هست، نظام تکوین و تشریع منطبق است و برای برنامه‌ریزی و فهم احکام و روابط در سطح نظام تشریعی می‌توان از این تطابق با تکوین بهره گرفت. با این مبنا از نظام حاکمیت و ولایت تکوینی الهی می‌توان در طراحی الگوی حاکمیت و ولایت تشریعی الهی در حکومت اسلامی بهره گرفت. به‌عنوان مثال در نظام تکوین الهی، عرش الهی مرکز صدور امر خداوند متعال است «ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ یَذَرُ الْأَمْرَ»^۱ و کرسی مقام تفصیل امر الهی و اختصاصی شدن شئون مختلف تدبیر الهی است، بعد از آن به بیان قرآن و روایات، امر الهی مرتبه به مرتبه بر مراتب سماوات و آرضین جاری می‌شود و این مراتب طولی و سیر سلسله‌مراتبی در جریان امر تکوینی الهی در عالم وجود دارد «یَذَرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ».^۲ در این نگاه امر الهی با علل و اسباب و واسطه‌هایی مرتبه به مرتبه نازل می‌شود تا به پایین‌ترین مراتب برسد و در هر مرتبه به اندازه ظرفیت آن مرتبه مقدر می‌شود. از طرفی علاوه بر این ارتباط با واسطه خداوند با موجودات و نظام سلسله‌مراتبی امر الهی، در عین حال رابطه دیگری هم وجود دارد «وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ»^۳ خداوند بر امر خود اشراف دارد. خداوند متعال بی‌واسطه هم با همه مراتب موجودات ارتباط دارد و هیچ حجابی و واسطه‌ای که در عین حال مانع نشود، بین حق تعالی و مخلوقات نیست. و در عین تنزل سلسله‌مراتبی آمر الهی، «هوَ مُکَمِّمٌ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ»^۴ هم صدق می‌کند. بنابراین در نظام تکوین هم ارتباط با واسطه و سلسله‌مراتبی در جریان امر الهی وجود دارد و هم ارتباط مستقیم و بی‌واسطه. همین الگو در امر تشریعی الهی نیز جاری می‌شود. لذا در الگوی حاکمیت الهی هم از یک جهت امر تشریعی حاکمیت الهی در نظام سلسله‌مراتبی جاری می‌شود و از یک‌سو هم رابطه مستقیم معنا می‌یابد. نازله این الگو در رابطه امام و امت نیز هست. حاکمیت در ادبیات رایج، الگوی حکمرانی سلسله‌مراتبی را ارائه می‌کند. در الگوهای جایگزین هم تلاش شده است نظام سلسله‌مراتبی حذف شود و مثلا ارتباطات شبکه‌ای جایگزین آن شود. اما در الگوی امام و امت اسلامی از یک‌سو ساختار حاکمیت به صورت سلسله‌مراتبی وجود دارد و این همان نظام و ساختارهاست. از سوی دیگر رابطه امام و امت علاوه بر این مجرا و مسیر سلسله‌مراتبی، ارتباط مستقیم نیز هست و در عین اینکه ترتیب طولی و ارتباط سلسله‌مراتبی نفی نمی‌شود، اما در عین حال، این ترتیب حاجب میان امام و امت نیست و رابطه مستقیم حاکم با مردم هم در پیشبرد

۳- سیرت و صورت در زنجیره تمدن‌سازی

در بیانات مقام‌معلم‌رهبری در گذشته مراحل پنج‌گانه زنجیره تمدنی ۱- انقلاب اسلامی، ۲- نظام اسلامی، ۳- دولت اسلامی، ۴- جامعه اسلامی و- تمدن نوین اسلامی ذکر شده بود و ایشان فرموده بودند در این زنجیره ما در ابتدای مرحله دولت‌سازی هستیم.^۵ اما در این بیانیه ایشان زاویه نگاه را عوض کرده‌اند و سه مرحله ۱- خودسازی، ۲- جامعه‌پردازی و ۳- تمدن‌سازی را مطرح کرده‌اند و گام اول انقلاب را در مرحله اول تطبیق داده و می‌فرمایند که انقلاب اسلامی «وارد دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است.»^۶ این مطلب یک تغییر زاویه نگاه از یک‌سو و شاید یک تغییر تاکتیک در همان صورت‌های انقلاب در عین ثابت ماندن سیرت از سوی دیگر باشد. این بیان ایشان روشن می‌شود که گام اول انقلاب که دو مرحله پیروزی انقلاب اسلامی و نظام‌سازی جمهوری اسلامی بود، تعبیر به خودسازی انقلاب شده است. مرحله نهایی و پنجم زنجیره تمدنی هم که تمدن‌سازی است به‌عنوان چشم‌انداز و افق گام دوم مطرح شده است، اما از گام دوم انقلاب، به جامعه‌پردازی تعبیر شده است. محل بحث این است که آیا مرحله دولت‌سازی محقق شده است که در این بیانیه به آن تصریح نشده یا ایشان از این مرحله عدول کرده‌اند؟ یا حالت سومی در کار است؟ این طور به نظر می‌رسد که اولاً گام دوم انقلاب متمرکز بر جامعه‌سازی و جامعه‌پردازی است و سیرت انقلاب باید خود را در صورت جامعه‌پردازی تجلی دهند و ثانیاً در عین ثابت بودن استراتژی اصلی در تمدن‌سازی در بیانیه گام دوم یک تغییر تاکتیکی هم اتفاق افتاده است. برای ما روشن است که ما هنوز از مرحله دولت‌سازی عبور نکرده‌ایم و در این سطح هنوز کار داریم. و بدون دولت‌سازی هم نمی‌توان جامعه‌سازی و تمدن‌سازی کرد. اما شاید قبلاً از مراحل پنج‌گانه زنجیره تمدنی و تاکید ایشان بر مرحله دولت‌سازی چنین برداشت شده بود که دولت‌سازی در لایه حکومتی باید دنبال شود و با دولت‌سازی در مرحله بعد وارد جامعه‌سازی شویم. اما در این بیانیه روشن شده است که دولت‌سازی در تعامل با جامعه‌سازی است و دولت‌سازی از متن جامعه به سوی اصلاح ارتقای دولت باید محقق شود. در عین اینکه این مساله وظیفه دولت‌سازی مسئولان و وظیفه آنان برای جامعه‌سازی را نفی نمی‌کند، اما تاکید ویژه‌ای است بر اینکه همان طور که در انقلاب اسلامی مردم و به‌خصوص جوانان بودند که در انقلاب حضور داشتند و پیروزی انقلاب را منجر شدند و همین جوانان انقلابی نسل اول بودند که وظیفه نظام‌سازی و حفظ سیرت انقلاب در مقابل وسوسه‌ها را به عهده گرفتند، در گام دوم هم جوانان مومن انقلابی نسل دوم که موردتاکید سال‌های اخیر رهبر معظم انقلاب هستند و مخاطب اصلی بیانیه هستند، وظیفه دارند سیرت انقلاب اسلامی را خوب بشناسند و در گام دوم که مرحله جامعه‌پردازی است، با عمومی کردن این ارزش‌ها و اصول انقلاب و تبدیل آن به مطالبه هگانی در جامعه، هم جامعه‌سازی کنند و هم با وارد شدن همین جوانان مومن انقلابی به سطح مسئولیت‌های دولتی، دولت‌سازی را به‌عنوان صورت انقلاب اسلامی براساس این سیرت محقق کنند.

شاید به همین دلیل است که پس از تدوین متن‌های سیاسی مانند چشم‌انداز جمهوری اسلامی و سیاست‌های کلی نظام در گام اول انقلاب، چشم‌انداز و سیاست‌های کلی گام دوم، در قالب بیانیه گام دوم و به صورت یک بیانیه عمومی ساده و شیوا و خطاب به ملت ایران و به‌خصوص جوانان تدوین شده است. همان‌گونه که در گام اول و در مرحله نظام‌سازی بر تدوین نقشه مهندسی فرهنگی و نقشه جامع علمی کشور تاکید می‌شد و در آستانه گام دوم و ورود به مرحله جامعه‌پردازی تعبیر اقدام «آتش به اختیار» به‌عنوان کار تمییز فرهنگی جوانان مومن و انقلابی موردتاکید ایشان قرار گرفت. برای فهم بهتر این تغییر تاکتیکی باید به بحث مبنایی تری در الگوی حاکمیتی اسلامی وارد شویم.

۵- منطق عمل تحقق گام دوم انقلاب اسلامی در الگوی امام و امت

با توجه به آنچه تا این مرحله بحث شد، روشن می‌شود که اولاً گام دوم انقلاب از جهت صورت انقلاب، مرحله جامعه‌پردازی است و باید این صورت محقق شود. ثانیاً این صورت باید براساس سیرت انقلاب که همان ارزش‌های فطری و ثابت انقلاب و همین اصول اساسی مکتب اسلام ناب امام‌خمینی (ره) است قوام پیدا کند. ثالثاً در این مرحله باید مبدل امام و امت و رابطه و مستقیم ولی جامعه با جامعه است و انتظار این است که جوانان مومن انقلابی در این فضا پیشقدم و پرچمدار حرکت باشند. در واقع منطق عمل برای تحقق بیانیه گام دوم و جامعه‌پردازی در این مرحله، منطقی است که بیشتر باید مبتنی بر پررنگ‌تر شدن الگوی امام و امت و رابطه ولایی و مستقیم با ولی جامعه و از جنس جامعه‌سازی از پایین و کف جامعه باشد و این بحث با الگوی فرهنگ‌سازی و ارتقای سبک زندگی در بخش نرم‌افزاری تمدن هم ارتباط وثیق دارد و از این جهت در تحقق چشم‌انداز تمدنی موثر است.

این منطق عمل چیزی است که از آن به تشکیلات اسلامی براساس شکل‌گیری روابط ایمانی و ولایی یاد می‌کنیم. «این کار احتیاج دارد به یک جمع به هم پیوسته متحد، دارای ایمان راسخ، از اعماق قلب مومن و معتقد به این مکتب، با گام استوار، پویا و جویای هدف.»^{۱۷} ازجمله ارزش‌هایی که در سیرت انقلاب اسلامی وجود دارد و از ارزش‌های ذکر شده در بیانیه گام دوم است، ارزش‌های جمعی اسلامی مانند روحیه ایثار و برادری و اخوت اسلامی است. همان چیزی که در بحث سبک زندگی انقلاب اسلامی هم مورد تاکید بوده است. ایشان در ششمین برکت از برکات انقلاب اسلامی بر همین معنویت و اخلاق تاکید دارند که ثمرات آن در ایثار و برادری دفاع مقدس، حضور در جهاد سازندگی و بسیج و ظهور مناسک عبادی جمعی مانند پیاده‌روی اربعین و... در ارقم می‌زند و آن را نتیجه تولی و رهبری انسان وارسته و عارفی و انسان الهی مانند امام خمینی (ره) بر جامعه می‌داند.

این آن روحی است که امام خمینی (ره) در جامعه ما دمید و به تعبیر رهبر انقلاب، فضای ایثار و برادری «ماجرای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد.»^{۱۸} اخوت و پیوستگی که بر پایه پیوندهای ایمانی شکل می‌گیرد و از آن تعبیر به روابط ولایی مومن می‌شود. «پیغمبر جمع مسلمانان آغاز کار را با این پیوستگی و جوشیدگی به وجود می‌آورد، اینها را به همدیگر متصل می‌کند، اینها را با هم برادر می‌کند، اینها را به‌صورت یک پیکر واحد در می‌آورد، به وسیله اینها امت اسلامی را تشکیل می‌دهد، جامعه اسلامی را به وجود می‌آورد، از پیوند اینها با دشمن‌ها، با مخالفان، با معاندین... جلوگیری می‌کند... و هرچه بیشتر سعی می‌کند صفوف اینها را فشرده و به هم جوشیده بکند... برای اینکه اگر اینها به این حالت نباشند، ولایت نداشته باشند، اگر به هم پیوسته صدرصد نباشند، میان آنها اختلاف به وجود بیاید، از برداشتن بار امانتی که بر دوش آنهاست، عاجز خواهند ماند، نمی‌توانند این بار را به سرنمزل برسانند.»^{۱۹}

یک بعد ولایت که کمتر موردتوجه ما بوده همین ولایت عرضی مومنان نسبت به یکدیگر است و بعد دیگر آن رابطه ولایت طولی با امام است که تضمین‌کننده و قوام‌دهنده این ولایت عرضی و روابط ایمانی است. جامعه برای چنین وحدت و برادری «احتیاج دارد به یک قدرت متمرکز... به یک قلبی احتیاج دارد این جامعه و این پیکر عمومی امت اسلام»^{۲۰} که این قلب تپنده در بیان دین و در

صاحب‌امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی- **مدیرمسئول:** محمدامین ایمانجانی- **سردبیر:** مسعود فروغی
دفتر مدیرمسئول: ۱۶، ۶۳۴۸۰-تهران **تحریریه:** ۱۸۲-۰۱۸-۶۶۶۷-۰۵۱-۶۶۷۶-۰۴۷ **فکس:** ۰۵۱-۶۶۶۷-۰۴۷
روابط عمومی: ۰۴۹۹-۶۶۷-۰۱۸-۰۴۷ **سازمان کپی‌ها:** ۰۴۷-۶۶۶۷-۰۴۷
چاپ: چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی- **توزیع فرهنگیگان:** ۱۲-۰۱۸-۶۳۴۸۰
نشانی: خیابان حافظ، پایین‌تر از چمپوری، روی‌روی ساختمان بورس، ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

با توجه به نزدیک‌شدن سالگرد ابلاغ بیانیه گام دوم انقلاب از سوی رهبر معظم انقلاب، متن ذیل مستخرج از گفت‌وگوی تحریریه نشریه تاملات مرکز رشد دانشگاه امام‌صادق(ع) شماره چهارم (ویژه‌نامه بیانیه گام دوم انقلاب) با استاد محمدرضا عابدینی است.

۲- سیرت و صورت انقلاب اسلامی در گام دوم

چنانچه بیان شد، حقیقت و سیرت انقلاب، که وجه‌امتیاز انقلاب اسلامی از سایر انقلاب‌هاست، ارزش‌های فطری و الهی موجب عظمت انقلاب اسلامی در نسبت با سایر انقلاب‌ها شده است و این همان نگاه معنویت‌گرای انقلاب اسلامی است. تعبیر مقام‌معلم‌رهبری این است که آنچه انقلاب اسلامی را از سایر انقلاب‌ها متمایز می‌کند و سیرت انقلاب ماست، همین نگاه معنویت‌گرای انقلاب اسلامی است. یعنی معنویتی را انقلاب اسلامی به ارمان‌آورد که به تعبیر جامعه‌شناسانه آن، در کالبد بی‌روح جامعه و تاریخ روح دمیده است و اگر این روح و سیرت در انقلاب وجود داشته باشد، می‌تواند با تمام نظام و تمدن بی‌روح و مادی غرب مقابله کند. این نگاه معنویت‌گرا بر رابطه امام و امت در الگوی حاکمیت الهی و براساس سه رکن عقلایت، معنویت و عدالت به‌عنوان ارکان مکتب امام‌خمینی (ره) که یک رکن مهم آن معنویت است و همچنین اصول مکتب امام‌خمینی (ره) که توسط امام‌خمینی (ره) به‌عنوان ارزش‌ها و اصول ثابت انقلاب ارائه شده است و رهبر معظم انقلاب همین اصول را برای جامعه تبیین و نتایج کرده‌اند، بنا شده است. این بحث سیرت و صورت انقلاب، در گام دوم که مرحله جامعه‌پردازی و مقدمه‌سازی برای تمدن‌سازی است، با بحث نرم‌افزار و سخت‌افزار تمدن‌سازی مرتبط می‌شود. البته نرم‌افزار تمدن فقط سیرت انقلاب نیست بلکه تجلی سیرت انقلاب و لوازم آن را هم که جزء صورت‌های فرهنگی انقلاب است، در بر می‌گیرد. به این معنا که اگر این اصول و ارزش‌ها که سیرت انقلاب است، به‌عنوان روح جامعه در مرحله جامعه‌پردازی مورد توجه قرار گیرد و فرهنگ جامعه شود، ما نرم‌افزار تمدن‌سازی را که همان فرهنگ و سبک زندگی انقلابی و اسلامی است محقق کرده‌ایم که اگر این روح جمعی حاکم بر بخش‌های سخت‌افزاری تمدن‌سازی مانند علم و صنعت و فناوری شود، در این صورت به تحقق تمدن‌سازی نوین اسلامی به‌عنوان آرمان گام دوم انقلاب اسلامی نزدیک می‌شویم. البته ارزش علم و علم‌آموزی جزء نرم‌افزارهاست اما ثمرات و تولیدات علمی به تعبیر ایشان در مرحله سخت‌افزار تمدن مطرح می‌شود. تعبیر مقام‌معلم‌رهبری در مباحث تمدن‌سازی این است که اگر این بعد نرم‌افزاری تمدن که روح تمدن‌سازی است، محقق نشود، در بعد سخت‌افزاری هرچقدر هم پیشرفت محقق شود، بدون این روح، مانند جسدی بی‌جان است و بشرفت‌های مادی و ظاهری بدون این روح، تفاوت و تمایز چندانی با تمدن غرب ایجاد نمی‌کند و «اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه پیشرفت‌هایی که در بخش اول کردیم، نمی‌تواند ما را رستگار کند.»^۸ پس سیرت انقلاب اسلامی در مرحله جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی باید در فرهنگ و سبک زندگی متجلی شود و بعد نرم‌افزاری تمدن نوین اسلامی را محقق سازد.

۴- الگوی حاکمیتی انقلاب اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی

اهداف جامعه وجود دارد. این تجربه‌ای است که در گام اول هم در الگوی امام و امت بوده است اما در گام دوم قرار است پررنگ‌تر شود. بنابراین تاکید بر جوانان و ارتباط مستقیم رهبری با جوانان و مردم، الزاما به معنای بی‌اعتنایی به ترتیبات حکومتی نیست، بلکه به این معنا می‌تواند باشد که تجربه نظام‌سازی و ساختارسازی در گام اول وجود دارد و این نظام مراتب سیاستگذاری و امر حکومتی سلسله‌مراتبی به بلوغی رسیده است و در این مرحله در گام دوم ارتباط مستقیم رهبری با جامعه که در مرحله قبل هم بوده است، در مرحله جامعه‌پردازی که گام دوم انقلاب است بیشتر و پررنگ‌تر باید مورد تاکید قرار گیرد. رابطه مستقیم امام جامعه با جامعه، تنها یک‌طرفه و به معنای بی‌حجاب و بی‌واسطه صحبت کردن مردم با رهبر و امام جامعه و گوش شنوا داشتن رهبری برای نقدها و نظرها نیست بلکه علاوه بر آن، مردم هم باید بی‌واسطه امر ولی جامعه را بشنوند و منتظر نمانند تا همه توصیه‌های ایشان الزاما ابلاغ سیاستی و حکومتی شود. وقتی ایشان در حوزه‌های مختلف ورود می‌کنند و اصول و قواعد حرکت انقلاب اسلامی را بیان می‌کنند، هر فردی از افراد جامعه مستقیماً مخاطب این توصیه‌ها و تجویزها و راهنمایی‌هاست و نباید منتظر باشد که بخشنامه و دستورالعمل به او برسد. بیانیه گام دوم وظیفه سیاستی و حکومتی مسئولان نظام را در ساختار سلسله‌مراتبی مشخص می‌کند که باید براساس این اقق و این اهکهار برنامه‌ریزی ۳۰ ساله گام دوم را شروع کنند. اما از سبویی هرکسی در هر مرتبه و مسئولیتی هست، مستقیماً مخاطب بیانیه است و هر قدر که می‌تواند باید برای تحقق گام دوم انقلاب براساس بیانیه عمل کند. تعبیر آتش به اختیار جوانان در جهاد فرهنگی هم دقیقاً به همین معنا بود که منتظر ابلاغیه و حمایت و سیاستگذاری از بالا به پایین در عرصه فرهنگ نمانند و با فهم درست اصول و ارزش‌های انقلاب اقدام کنند. در عین حال روشن است که وظیفه نهادهای فرهنگی سیاستگذار در اینجا نفی نشده است و آنها باید در نظام و ترتیبات سیاستگذاری فرهنگی برای تسهیل اقدام جهادگرا فرهنگی برنامه‌ریزی کنند. «معنای آتش‌با‌اختیار این است، یعنی همه جوان‌ها، همه گروه‌های مومن در زمینه‌های مختلف، هر کاری که‌برایشان میسر است، و مطابق با قوانین کشور و مصلحت کشور است، باید انجام بدهند و معطل کسی نباید بمانند.»^۹ نمونه این رابطه دوطرفه در محور توصیه به معنویت و اخلاق به‌عنوان محور دوم توصیه‌های ایشان ذکر شده است که معنویت و اخلاق در جامعه محتاج جهاد و تلاش عمومی است، اما «این جهاد و تلاش بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت.»^{۱۰} و دولت‌ها و حکومت‌ها باید زمینه‌سازی کنند و «دستگاه‌های حکومتی در این باره وظایف سنگینی را برعهده دارند» درعین حال این «به معنی رفع مسئولیت از افراد و اشخاص غیرحکومتی نیست.»^{۱۱}

پی‌نوشت

- ۱- مقام‌معلم‌رهبری، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
- ۲- مقام‌معلم‌رهبری، ۱۴/۱۳۸۹، سخنرانی در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره).
- ۳- مقام‌معلم‌رهبری، ۲۴/۹/۸۷ در دیدار با دانشجویان دانشگاه علم و صنعت.
- ۴- مقام‌معلم‌رهبری، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
- ۵- همان
- ۶- همان
- ۷- همان
- ۸- مقام‌معلم‌رهبری، ۲۴/۱۷/۱۳۹۱، بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی
- ۹- مقام‌معلم‌رهبری، ۶/۸/۱۳۸۳، بیانات در دیدار مسئولان جمهوری اسلامی
- ۱۰- مقام‌معلم‌رهبری، بیانیه گام دوم انتاب اسلامی
- ۱۱- سوره مبارکه یونس، آیه ۳
- ۱۲- سوره مبارکه سجده آیه ۵
- ۱۳- سوره مبارکه یوسف، آیه ۲۱
- ۱۴- سوره مبارکه حدید، آیه ۴
- ۱۵- مقام‌معلم‌رهبری، ۲۹/۱۱/۱۳۹۷. در دیدار با مردم تبریز
- ۱۶- مقام‌معلم‌رهبری، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
- ۱۷- مقام‌معلم‌رهبری، طرح کلی اندیشه اسلامی، ص ۵۲۰
- ۱۸- مقام‌معلم‌رهبری، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
- ۱۹- مقام‌معلم‌رهبری، طرح کلی اندیشه اسلامی، ص ۵۲۲ و ۵۲۳
- ۲۰- مقام‌معلم‌رهبری، طرح کلی اندیشه اسلامی، ص ۵۴۴
- ۲۱- همان
- ۲۲- مقام‌معلم‌رهبری، طرح کلی اندیشه اسلامی، ص ۵۴۵
- ۲۳- مقام‌معلم‌رهبری، بخش ولایت از کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی